

زیست‌بوم

گردوغبار سیستان؛ مسئله‌ای بغرنج

حسین سرگزی

کارشناس‌یابان‌زدایی

مسائلی که برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌ها را پیچیده ساخته و نظام سیاست‌گذاری را با چالش روبه‌رو می‌کنند، در دسته مسائل بغرنج (Wicked Problems) طبقه‌بندی می‌شوند. مسائل بغرنج عمدتاً نوظهورند و معمولاً در یک بخش یا سطح اداری حل‌شدنی نیستند و در تعاریف، راه‌حل‌ها و فرایندها مناقشه‌برانگیز و محل اختلاف‌اند، بنابراین حتی در صورت بررسی و جست‌وجوی روش‌های مدیریت، منجر به مصالحه یا سازش‌های میهم با ناپایدار می‌شوند. تغییرات اقلیمی و مشکلات گردوغبار از آن جمله‌اند که با وجود اهمیت و اثرگذاری رو به‌ تازید، مرکز قدرتمند سیاستی و مدیریتی ندارند. نهادهای بسیاری مطالعه می‌کنند، افراد زیادی نظریه‌پردازی می‌کنند، مدیران متعددی مصاحبه می‌کنند، تریبون‌های فراوانی انتقاد می‌کنند، گروه‌های واقعی و مجازی بی‌شماری راه‌حل می‌دهند، ادارات مختلفی بودجه می‌گیرند، پروژه اجرا می‌کند و... اما مسئولیتی هم نمی‌پذیرند. سال‌هاست که گردوغبار سیستان مشکلات زیاد چشمی، تنفسی، گوارشی و روانی برای مردم ایجاد کرده و تداوم رو به تازید آن زندگی را برای ساکنان شمال استان صعب و دشوار ساخته اما متولی مشخصی ندارد و ادارات و دستگاه‌های مختلف ذیل مدیریت بحران یا کارگروه تالاب هامون جمع می‌شوند، حرف می‌زنند، برنامه ارائه می‌دهند و مصالحه‌های پرطمطراق می‌کنند اما در عمل اتفاقی نمی‌افتد.

اما راه‌حل مواجهه با مسائل بغرنج مثل مدیریت گردوغبار چیست؟ آیا می‌توان نسخه واحد و راه‌حل قطعی و نهایی چنان‌که برخی مردم و رسانه‌ها انتظار دارند، ارائه کرد؟ طبق تعریف، یک مشکل بغرنج راه‌حل بهینه ندارد اما همکاری بیشتر یا بهتر و هماهنگی بین بازیگران، سازمان‌ها و سطوح مختلف به‌عنوان پیش‌شرط کلیدی برای رسیدگی به این چالش‌ها تلقی می‌شود. به عبارتی اگرچه بخش‌های مختلف وظایف گسترده و متنوعی برای تقابل با یک مشکل دارند اما باید بر برنامه‌ها، ساختارها و ابزارهایی تکیه کرد که با استفاده از آنها به هم‌افزایی و ارتقای هماهنگی میان بخش‌های مختلف نزدیک شویم. به عبارتی رویکرد حکمرانی حکارانانه با مشارکت طیف‌های متنوعی از بازیگران می‌تواند به ارتقای کارآمدی و اثربخشی حکمرانی کمک کند. یکی از این سازوکارها ایجاد نهادهای فرابخشی است که با شمول سازمان‌های مختلف درگیر در یک مسئله درصدد برقراری هماهنگی میان آنها و فاصله‌گرفتن از نگاه جزیره‌ای برای مواجهه با مسائل سیاستی است. اما نکته مورد اهمیت این است که ایجاد این نهادها با سوگیری و گستردگی مداخلات در وظایف دست‌اندرکاران با ایجاد ابهام در مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی نهادی، خود مانع هم‌گرایی و دورشدن از هدف ایجادشده نشوند و به جای تجميع وظایف بر نقش تلفیقی و هم‌افزایی اقدامات متمرکز شوند. بی‌شک شفافیت در تقسیم نقش‌ها، برقراری نظام درست ارزیابی عملکرد، تعهد سازمانی به هدف و فراهم‌بودن منابع کافی ازجمله مواردی هستند که باعث افزایش هماهنگی خواهند شد. اما یکپارچگی سیاستی و نگاه عادلانه به زیربخش‌ها را نباید از نظر دور داشت. در سطح تصمیم‌گیری در بسیاری از بخش‌ها، دو گروه وجود دارند؛ کارمندان اداری و متخصصان که گروه اخیر با افزایش انگیزه و علاقه بیشتری برای هماهنگی بین‌بخشی دارند و توجه به آنها با افزایش دامنه اختیارات می‌تواند اثربخش باشد. درک مشترک از ماهیت و ویژگی‌های یک مسئله از سوی بازیگران مختلف که چارچوب سیاست نام دارد، عنصری ضروری است. هر چقدر مسئله ذات بغرنج و پیچیده‌تری داشته باشد، باید از ابزارهای کارآمدتری در این امر بهره گرفت. به‌کارگیری ابزارهای نرم به‌عنوان مکمل ابزارهای سخت مانند قانون، سازمان و سلسله مراتب و به عبارتی بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی مهم هستند. ایجاد تعهد فرهنگی و برقراری اعتماد میان بخش‌های مختلف از مهم‌ترین مواردی است که باید برقرار شود. این تعهد با غلبه بر مرزهای ساختاری و منافع اختصاصی باعث تسهیل هماهنگی می‌شود.

درنظرگرفتن برخی از ارزش‌های مهم در برنامه‌های عمومی مثل توجه به محیط زیست، سلامت عمومی، برابری و... دارای ارزش‌های نمادین و پتانسیل تأثیر واقعی در هماهنگی است اما این برنامه‌ها باید فراتر از توصیه‌های اخلاقی با اختصاص بودجه و امکانات تحقق عینی یابد. تشکیل نهاد راهبر و ارزیاب با اختیارات کامل نیز ضروری است. این نهاد باید بتواند راهبری، نظارت و ارزیابی جامعی از فعالیت بخش‌های مختلف و اختیار تصمیمات بزرگ درباره برنامه‌ها و جریان را داشته باشد. وجود اراده سیاسی دولت برای اولویت‌داشتن موضوع گردوغبار شرط لازم برای کارآمدی نهادهای مدنظر است. این اراده ممکن است در دو بخش تجلی بیشتری داشته باشد، اصلاح قوانین و اصلاح رفتارها که دومی سهل‌الوصول‌تر و با توجه به مدیریت‌های بومی و آشنا به مسئله دست‌یافتنی‌تر است.

خبرها

پرداخت معوقات بازنشستگان

رئیس کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی از پرداخت معوقات باقی‌مانده بازنشستگان خبر داد. محمد اسدی اعلام کرد: «پرداخت معوقات مربوط به حقوق بازنشستگان از ماه گذشته آغاز شده و این روند همچنان ادامه دارد». او با اشاره به جزئیات این پرداخت‌ها گفت: «بازنشستگانی که دریافتی آنها کمتر از ۲۰ میلیون تومان بوده، معوقات فروردین‌ماه خود را دریافت کرده‌اند. همچنین بازماندگان نیز که حقوق شهریورماه را دریافت می‌کردند، پرداخت معوقات آنها انجام شده است». او ادامه داد: «پرداخت معوقات برای بازنشستگانی که حقوق بالای ۲۰ میلیون تومان دارند، نیز از روز بیست‌ویکم مهرماه آغاز شده و این روند در حال اجراست. دیگر بانک‌ها نیز براساس حروف الفبا، پرداخت‌ها را انجام داده‌اند».

۳۰ هزار پزشک، طبابت نمی‌کنند

خبرآنلاین: علی دباغ، متخصص بیهوشی و هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی تهران، گفت: «حدود ۳۰ هزار پزشک کار طبابت انجام نمی‌دهند». او ادامه داد: «اختلاف نسبت پزشک به جمعیت در ایالت‌های مختلف آمریکا نزدیک به ۱۰ الی ۲۰ درصد است، اما میزان تمرکز پزشک به تعداد افراد در بالای بزرگراه همت در تهران از تمرکز پزشک به جمعیت در ایالت کالیفرنای آمریکا بیشتر است. اختلاف نسبت پزشک به جمعیت در بالای بزرگراه همت تهران با همین نسبت در استان سیستان‌وبلوچستان ۱۰ به یک است و این یعنی بدترین نوع بی‌عدالتی. پزشکی که می‌تواند با درآمد بسیار بیشتر به عمان برود، چرا باید در بندرعباس بماند. فاصله بندعباس تا تهران چندان فرقی با فاصله عمان تا تهران ندارد، بنابراین پزشک از کشور می‌رود، به گفته او، مشکلات امروز نظام سلامت با روش‌های جدید حل‌شدنی نیست و باید از روش‌های امروزی استفاده کرد. هرگونه ایجاد خلل در سرمایه اجتماعی به نظام سلامت ضربه شدیدی وارد خواهد کرد. درحالی‌که با افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو نمی‌توان کارآمدی نظام را تضمین کرد.

داده‌های آخرین پیمایش شیوع اختلالات روان‌پزشکی در ایران نشان داد:

افزایش اختلالات روان در مردان

مدیر اجرایی پژوهش می‌گوید ۳ سال از انتشار نتایج پیمایش جلوگیری کردند



دو دهه اخیر با رشد ۲۱درصدی مواجه بوده، اما میزان رشد نزاع در جامعه در همین دو دهه ۶۰۰ درصد بوده است؛ «میزان خشونت بالا رفته است. این نیز یک روند رو به افزایش است».

اعتیاد به الکل جای تریاک را گرفت

از مهم‌ترین تغییرات قابل مشاهده در این پژوهش نسبت به پژوهش‌های قبلی، کاهش شیوع اختلالات اضطرابی است. همچنین برای اولین بار شاخص رشد اعتیاد به الکل از رشد اعتیاد به تریاک جلو افتاده است. هرچند مصرف الکل در ایران عدد نزدیک به دو درصد را نشان می‌دهد که نسبت به میانگین هشت‌درصدی در جهان، عدد پائینی است. اما در یک سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱، ۲۵ درصد مردم اعلام کرده‌اند مصرف الکل داشته‌اند که این آمار نسبت به پژوهش انجام‌شده در سال ۱۳۹۱ رشد دوبرابری را نشان می‌دهد. همین‌طور طبق این پژوهش، جایگزینی الکل با تریاک به معنی کاهش کلی مصرف مواد مخدر نیست؛ زیرا اگر مواد افیونی و مواد محرک را در کنار یکدیگر قرار دهیم، با شیوع ۲۰۵درصدی آن مواجه خواهیم شد؛ درحالی‌که این عدد در جهان ۱۰۵ است. در نتایج پیمایش شیوع اختلالات روان‌پزشکی در ایران از طلاق یا مرگ همسر، بیکاری و وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین به‌عنوان عوامل مؤثر بر اختلالات روان‌پزشکی نام برده شده است. افرادی که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند یا در طبقه اقتصادی و اجتماعی بالایی قرار دارند، از سلامت روانی بیشتری برخوردارند. ۲۷۰۲ درصد افراد خود را مایل به استفاده از خدمات روان‌درمانی می‌بینند. در سال گذشته ۳۵ درصد از جمعیت ایران به مراکز خدمات درمانی و بهداشتی مرتبط با روان مراجعه کرده‌اند، اما طبق این پژوهش ۲۷۰۷ درصد از افراد احساس نیاز به استفاده از خدمات روان‌پزشکی می‌کنند؛ از این عدد ۶۲۰۵ درصد دارای اختلالات روان هستند و ۱۵۰۹ درصد بدون هیچ بیماری در خود نیاز به حضور در مراکز درمانی را می‌بینند. از کل افرادی که تمایل به استفاده از خدمات روان‌پزشکی دارند، ۲۴۰۹ درصد به‌جای استفاده از خدمات درمانی تخصصی، به مراکز مرتبط با طب مکمل و طب سنتی مراجعه کرده‌اند. طبق آمار نیز افرادی که یکی از شاخص‌های مرد بودن، مجرد بودن، بی‌سوادی، شاغل بودن یا زیر ۲۰ سال بودن را داشتند، معمولاً میل به استفاده از خدمات روان‌درمانی برای آنها نزدیک به صفر است. همین‌طور بیش از ۸۰ درصد افراد درگیر اعتیاد، برخلاف آمار وجود مراکز متعدد ترک و درمان اعتیاد، از حضور و استفاده از مراکز درمانی خودداری می‌کنند. درحالی‌که برخلاف آنها بیشتر افراد مبتلا به سایکوز سایکوتیک بیشترین استفاده از خدمات درمانی را دارند.

ترک درمان ۸۰ درصد بیماران

در این پژوهش یکی از مهم‌ترین عوامل مراجعه به مراکز درمان، مسئله هزینه و بیمه نام برده شده است. ۳۵ درصد از افرادی که از خدمات درمانی در یک‌سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ استفاده کرده‌اند، مجبور به فروش یکی از اموال یا سرمایه‌های خود برای تأمین مصرف درمان شده‌اند. براساس آنچه در این پژوهش آمده، هزینه‌های بالای استفاده از خدمات روان‌درمانی، مانع بزرگی برای دسترسی بخش زیادی از گروه‌های آسیب‌پذیر است. طبق قوانین فعلی، بیمه‌های پایه مانند تأمین اجتماعی و سلامت، ۷۰ درصد هزینه درمان تنها سربانی (روان‌درمانی فردی یا گروهی) در مراکز دولتی را تقبل می‌کنند و برای اختلالات حاد منجر به بستری یا نیازمند درمان طولانی تا ۵۰ درصد هزینه‌ها را پوشش می‌دهند.

بیمه تکمیلی نیز فقط در برخی شرکت‌ها تا سقف ۱۰۰ درصد، آن‌هم موارد خاص مثل توان‌بخشی را در فهرست خدمات خود قرار داده است. این شرایط باعث شده تا طبق آمار منتشرشده در «مجله سلامت و جامعه» در سال ۱۴۰۰، بیش از ۸۰ درصد بیماران مبتلا به اختلالات روانی، ترک درمان کنند.

در پرونده انتشار فیش‌های حقوقی مدیران ارشد سازمان منابع طبیعی

فعالان محیط زیست افشاگر تبرئه شدند

با وظیفه سنگین حاکمیتی در حفاظت و صیانت از حدود ۸۳ درصد از مساحت کشور، مظلوم‌ترین قشر کارمندان ایران هستند و با میانگین حقوق ۱۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان، سال‌هاست درخواست اصلاح حقوق و مزایایشان را دارند؛ مبالغ ناچیزی که حتی پاسخ‌گوی حداقل نیازهای اولیه زندگی هم نیست و با وظیفه سنگین حاکمیتی آنها در حفاظت از منابع طبیعی کشور و مبارزه با متصرفان و قاچاقچیان همخوانی ندارد. متأسفانه در اسفندماه و در پایان سال ۱۴۰۳ در دولت شما و برخلاف منویات جنابعالی، حتی همان مزایای اندک‌شان هم کاهش پیدا کرد». نویسنندگان کارزار فیش‌های نجومی مدیران منابع طبیعی خطاب به پزشکيان نوشتند: «با انتشار فیش‌های نجومی و متعارف رئیس سازمان منابع طبیعی علی تیموری با مبلغ ۲۸۶ میلیون تومان، حسین پیش‌قدم معاون برنامه‌ریزی صرفاً مزایا بدون احتساب حقوق و فقط به‌خاطر یک ماه فعالیت در این سازمان ۲۲۲ میلیون تومان، کریم احمدی صومعه صرفاً مزایا بدون احتساب حقوق معادل ۱۹۸ میلیون تومان، فریبرز بازیارا ۱۷۸ میلیون تومان، عباس سمیعی ۱۸۶ میلیون تومان و... آن‌هم فقط در یک فیش، خشم، نارضایتی و بی‌اعتمادی نیروهای وظیفه‌شناس منابع طبیعی و آحاد مردم را نسبت به بی‌تجیبی و بی‌عدالتی برانگیخته است. این فیش‌های نجومی در حالی صادر شده بود که در همان ماه، مزایای جنگلبانان و نیروهای استانی با کاهش چشمگیر نسبت به سال گذشته همراه بوده است. پیرشش بحق جنگلبانان این است که چرا باید مزایای یک ماه رئیس سازمان‌شان بیش از دو سال حقوق و مزایای آنها باشد؟». در این کارزار، با انتقاد شدید از رئیس سابق منابع طبیعی، این‌طور نوشته شده است: «متأسفانه علی‌رغم تأیید غیرقانونی بودن این پرداخت‌ها توسط دیوان محاسبات کشور، رئیس سازمان منابع طبیعی کشور به‌جای عذرخواهی از مردم و جنگلبانان، درصدد توجیه برآمده و اطلاعات نادرستی را درخصوص دریافتی جنگلبانان و نیروهای منابع طبیعی به معاون جنابعالی ارائه کرده است. از آنجایی که این بی‌عدالتی باعث جریحه‌دارشدن احساسات عمومی، به‌ویژه جامعه جنگلبانان و دلسوزان منابع طبیعی و محیط زیست کشور

«یافته‌های پیمایش سال ۱۴۰۱ به‌عنوان آخرین پیمایش انجام‌شده درباره اختلالات روان‌پزشکی در ایران منتشر شد؛

محمدحسین موسوی

پیمایشی که به دلیل بعضی ملاحظات منتشر نشده بود. در

سال ۱۳۹۱ نیز ما چنین پژوهشی را انجام دادیم و تا تغییر دولت توانستیم نتایج آن را منتشر کنیم. در دولت قبل نیز هر چقدر تلاش کردیم مسئولان را توجیه کنیم که در بسیاری از شاخص‌ها وضعیت ما خیلی بد و باعث سرشکستگی نیست، توانستیم».
اینها را «افرین رحیمی‌موقر»، استاد روان‌پزشکی دانشگاه علوم‌پزشکی ایران و از متخصصان روان‌پزشکی اعلام کرد؛ او مجری همایش سالانه انجمن روان‌پزشکان هم هست. نتایج این پژوهش شایان تأمل است؛ مثل آمار ابتلای یک نفر از هر چهار نفر در کشور به اختلالات روان‌پزشکی. براساس آنچه در همایش انجمن روان‌پزشکان عنوان شد، این عدد رشد درخور توجهی نسبت به پژوهش مشابهی که در سال ۱۳۹۱ انجام شده بود، دارد. اما علت این افزایش چیست؟ آن‌طور که متخصصان این حوزه توضیح دادند، حوادث متعدد یک دهه اخیر از جمله همه‌گیری کرونا و تلاطم‌های اقتصادی و اجتماعی در این آمارها نقش داشته است.

رشد اختلالات روان در مردان

طبق آمار به‌دست‌آمده از این پیمایش، ۱۶ درصد افراد اختلالات خلقی، ۱۳۰۷ درصد افراد اختلالات اضطرابی و چهار درصد اختلالات مصرف مواد یا الکل داشتند. همین‌طور نسبت به پیمایش سال ۱۳۹۱، رشد درخور توجه شیوع اختلالات روان‌پزشکی در مردان و کاهش مختصر اختلالات در زنان قابل مشاهده است. طبق نتایج این پژوهش، ۹۰۲ درصد جامعه مبتلا به اختلال روانی شدید به معنای ابتلا به سایکوز یا اختلال دوقطبی یا وابستگی فیزیکی به مواد مخدر هستند، ۷۰۳ درصد اختلال روانی متوسط به معنی اختلال در یک یا دو عملکرد دارند و ۸۰۶ درصد دارای اختلال روان خفیف هستند. از نزدیک به ۲۸ درصد از افراد دارای اختلال روان‌پزشکی، ۱۵ درصد تنها به یک اختلال مبتلا هستند، حدود پنج درصد دو اختلال و چهار درصد هم بیش از دو اختلال دارند. براساس اعلام رحیمی‌موقر، جمع‌آوری داده‌های این پژوهش به صورت خانه به خانه با کمک شرکت ملی پست و با استفاده از روان‌شناسان آموزش‌دیده انجام شد. در این پیمایش، از دو شکل مصاحبه چهره به چهره و تلفنی استفاده شد: «برای ما بسیار مهم بوده که مصاحبه‌ها با دقت و توسط افراد متخصص انجام شود. در پروتکل نیز پرسشگران باید جمعیت هدف را جذب می‌کردند و امکان رفتن سراغ فرد جایگزین نداشتند».

خودکشی در ایران ۳ برابر میانگین دیگر کشورها

براساس نتایج این پژوهش، ششش درصد از جامعه در سال ۱۴۰۱ دارای افکار خودکشی هستند، ۳۰۷ درصد از افراد برای خودکشی برنامه‌ریزی کرده‌اند، ۱۰۱ درصد اقدام به خودکشی کرده‌اند و ۰۰۹ درصد نیز اقدام جدی به خودکشی داشته‌اند. طبق گفته «افرین رحیمی‌موقر»، مجری این پژوهش، این اعداد بیش از سه برابر میانگین جهانی است. «محمد قدیری‌وصفی»، فوق تخصص روان‌پزشکی و دبیر علمی همایش سالانه انجمن روان‌پزشکی که دیروز برگزار شد، درباره شیوع اختلالات روانی در ایران به «شرق» می‌گوید: «در سه تا چهار دهه اخیر با روند رشد اختلالات و بیماری‌های روانی مواجه‌ایم. پدیده‌هایی مثل جنگ ۱۲روزه یا بحران‌های دیگر به این روند شیب بیشتری داده و در حال حاضر اختلالات افسردگی، اضطراب و مصرف مواد مخدر بیشترین افزایش را در طول سال‌های اخیر داشته‌اند». این روان‌پزشک با تأکید بر اعلام‌نشدن نرخ خودکشی به علت سیاست‌ها در سال‌های اخیر، به رشد این شاخص اشاره می‌کند: «چهار

دهه قبل حدود چهار خودکشی در هر صد هزار نفر داشتیم؛ اما آماری رسمی که اخیراً انجمن پیشگیری از خودکشی اعلام کرده، به عدد هشت خودکشی در هر صد هزار نفر اشاره می‌کند. این فرایند رشد نرخ خودکشی در ایران در حالی است که در بسیاری از کشورها، مثل کشورهای اسکانندیناوی، برای کاهش این نرخ برنامه‌ریزی‌های موفقیتی انجام شده است». قدیری‌وصفی درباره علت رشد این نرخ می‌گوید: «بدون تردید علت‌های اجتماعی و اقتصادی وجود دارد. ما در ایران دارو، روان‌پزشک و روان‌شناس به میزان کافی داریم، ولی همچنان نرخ خودکشی در حال افزایش است». به گفته او، برای حل این مشکل دولت باید برنامه داشته باشد که زندگی را برای افراد قابل پیش‌بینی کند: «باید برای افراد قابل پیش‌بینی باشد که برای مثال خرج روزانه بلیت مترو و خوراک‌شان ثابت می‌ماند یا به میزانی مشخص رشد می‌کند؛ در این حالت زندگی قابل پیش‌بینی می‌شود و اضطراب افراد جامعه کاهش می‌یابد». با توجه به آمار، جمعیت ایران در

براساس نتایج این پژوهش، ششش درصد از جامعه در سال ۱۴۰۱ دارای افکار خودکشی هستند، ۳۰۷ درصد از افراد برای خودکشی برنامه‌ریزی کرده‌اند، ۱۰۱ درصد اقدام به خودکشی کرده‌اند و ۰۰۹ درصد نیز اقدام جدی به خودکشی داشته‌اند

مدرسه

افت نمرات امتحانات نهایی

اینها: در حالی که گزارش‌های منتشره از افت میانگین نمرات امتحانات نهایی دانش‌آموزان کشور و شکاف معنادار میان استان‌ها حکایت دارد، معاون سابق آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، با اشاره به این موضوع گفت: «تغییرات سیاسی مدیریتی و ناپایداری در سیاست‌های آموزشی از عوامل این افت است و تا زمانی که ثبات در برنامه‌ها و آموزش معلمان نهادینه نشود، بهبود کیفیت آموزشی دشوار خواهد بود».
داده‌های اعلام‌شده درباره کاهش نمرات نهایی دانش‌آموزان با آشکارکردن شکاف آموزشی، نشان می‌داد کیفیت و فرصت‌های یادگیری در کشور با سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی و اجتماعی هر استان همبستگی دارد که محمدمهدی کاظمی، درباره نتایج و تحلیل‌های آزمون‌های نهایی توضیحاتی ارائه داد. او با بیان اینکه آنچه نتایج نشان می‌دهد، افت قابل توجهی نسبت به سال گذشته دارد که البته علل متعددی دارد گفت: «باید توجه داشت داده‌هایی که منتشر شده، مقایسه میان یک پایه در سال جاری با پایه کمتر در سال گذشته است، نه مقایسه هر پایه با پایه مشابه در سال قبل؛ یعنی میانگین پایه یازدهم امسال با پایه دهم سال گذشته و پایه دوازدهم امسال با پایه گذشته سال گذشته مقایسه شده و در این میان، افتی در همه رشته‌ها به‌جز رشته ریاضی فیزیک مشاهده می‌شود».



کاظمی با بیان اینکه افت پایه یازدهم نسبت به سال گذشته محسوس‌تر است افزود: «در سال ۱۴۰۲ که برای نخستین بار بر اساس مصوبه جدید، امتحانات نهایی به صورت مفهومی برگزار شد، افت اولیه طبیعی بود؛ زیرا شیوه طراحی سؤال و ارزشیابی تغییر کرده بود و مبتنی بر مفاهیم و عملکرد در دستور کار قرار گرفت. از این رو در سال‌های بعد با برنامه‌ریزی ستاد وزارتخانه و ادارات کل استان‌ها، از جمله برگزاری دوره‌های توانمندسازی معلمان، توجه به فرصت‌های یادگیری و برنامه‌هایی مانند پوشش جهاد علمی، اعتکاف علمی، کلاس‌های جبرانی و دوره‌های نوروزی، شاهد رشد نسبی میانگین نمرات بودیم و میانگین کشور بیش از «نیم‌نمره» افزایش یافت». او با بیان اینکه طبق برنامه هفتم پیشرفت، پیش‌بینی شده بود در طول پنج سال ۲۰۵ نمره یعنی هر سال میانگین نمرات دانش‌آموزان حدود نیم‌نمره افزایش داشته باشد، ادامه داد: «سال گذشته این روند حتی بهتر از انتظار بود و شاهد افزایش بیش از ۰۶ نمره در همه رشته‌های شاخه نظری بودیم. در رشته ریاضی-فیزیک پایه یازدهم و دوازدهم، رشد بیشتری مشاهده شد. یکی از عوامل آن، افزایش سهم دانش‌آموزان رشته ریاضی-فیزیک از ۱۴ به بیش از ۱۸ درصد و اجرای سیاست‌های تشویقی برای هدایت تحصیلی و جذب دانش‌آموزان کیفی بود که این افزایش در همه استان‌ها و با میزان متفاوت محقق شد».

کاظمی با بیان اینکه برخی استان‌ها مانند سیستان‌وبلوچستان، خوزستان و شهرستان‌های استان تهران و... برنامه‌های جدی‌تری برای ارتقای کیفیت آموزش اجرا کردند، گفت: «در نتیجه با افت کمتری مواجه و حتی شاهد رشد هم بودند». او با تأکید بر ضرورت آسیب‌شناسی مجدد این نتایج افزود: «امسال از فضای مجازی برای جبران‌ها با طرح موضوع حذف مصوبه کنکور درباره تأثیر قطعی سوابق تحصیلی، ذهن دانش‌آموزان را درگیر کردند و این مسئله بر تمرکز و انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر منفی گذاشت. همچنین تغییرات مکرر سیاسی و جناحی مدیران در آموزش و پرورش و فقدان ثبات در سیاست‌ها نیز اثرگذار بوده است».